

آجرهای لق

دیوار رهبری حزب

را سرانجام فرو ریخت

گزارش و سخنرانی منتشر نشده استالین، در پلنوم
کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی - ۱۶ اکتبر سال ۱۹۵۲
(براساس یادداشت های ل. ن. یفرموف (yefremov). ترجمه "م. شیزلی")

به این ترتیب، ما کنگره حزب را، بخوبی برگزار کردیم. بسیاری ها ممکن است فکر کنند که ما از وحدت کامل برخورداریم، ولی اصلاً چنین نیست. خیلی ها با تصمیمات ما موافق نیستند.

می گویند، چرا ما تعداد اعضای کمیته مرکزی را افزایش دادیم. خوب، مگر روشن نیست که باید کادرهای جدیدی به کمیته مرکزی وارد شوند؟ ما که پیر شده ایم، باید به این فکر کنیم که ادامه کار بزرگمان را به چه کسانی محول کنیم، چه کسانی توانائی پیش برد آن را دارند؟ این کار بزرگ را باید کادرهای جوانتر، وفادار به آرمان های خلق و کادرهای سیاسی پیش ببرند. پس، مفهوم تربیت کادرهای فعال سیاسی و دولتی چیست؟ این کار به تلاش بزرگی نیاز دارد. برای تربیت یک کادر دولتی، ده سال، نه، بیشتر، پانزده سال زمان لازم است. تنها، آرزو کردن برای این کار کافی نیست. تربیت ایدئولوژیک این همه کادر دولتی، فقط در جریان کار عملی، در جریان کار مستمر روزانه برای تحقق اهداف اصلی و عمده حزب، در جریان مبارزه برای غلبه بر مقاومت خصمانه اشکال مختلف اوپورتونیزم بازدارنده و مختل کننده سازندگی سوسیالیستی ممکن است. فعالین سیاسی خط و مشی لنینی تربیت یافته حزب ما، باید بر این تلاش های خصمانه فائق آیند و برای تحقق کامل اهداف بزرگ ما، پیگیرانه تلاش کنند.

مگر روشن نیست که، باید نقش حزب و کمیته های حزبی را ارتقاء دهیم؟ مگر می توان بهبود کار توده ای حزبی، آموزشهای لنین را فراموش کرد؟ همه اینها، ورود کادرهای جدید و جوان به کمیته مرکزی حزب - مرکز رهبری حزب ما را، ضروری می سازد. بدین ترتیب ما، آموزشهای لنین را به کار بستیم. به همین منظور تعداد اعضای کمیته مرکزی را افزایش دادیم. بلی، خود حزب هم تا حدودی بزرگتر شده است.

می پرسند، چرا ما کادرهای برجسته حزبی و دولتی را از مقام مهم وزارت آزاد کردیم. در این مورد چه می توان گفت؟ ما، مولوتف، کاکانوچ، وارشیلوف و دیگران را از عهده داری پست وزارت آزاد کردیم. چرا؟ به چه دلایلی؟ کار وزارت، امر بسیار مهمی است. نیازمند توان بیشتر، آگاهی مشخص و سلامتی جسمانی است. به همین سبب، ما برخی از رفقای شایسته را احراز مقام وزارت آزاد کردیم و بجای آنها، کادرهای متخصص تر و کارآمدتری را برگزیدیم. آنها انسانهای جوانی هستند، پر توان و پر انرژی. ما در این کارخطیر، باید آنها را مورد حمایت قرار دهیم.

آنچه که، به برجسته ترین فعالین حزبی و دولتی مربوط می شود، این است که آنها همچنان کادرهای سیاسی و دولتی خواهند بود. ما، به آنها پست معاونان صدر شورای وزیران را محول کردیم. البته، من الآن نمی دانم چند نفر معاون خواهم داشت.

اگر از وحدت صحبت می کنیم، منظور این نیست که رفتار نادرست بعضی از شخصیت های مشهور سیاسی را مورد بررسی قرار ندهیم. منظور من، رفقا مولوتف و میکایان است.

مولوتف شخصیتی مورد اعتمادی است. بی شک و تردید، او حتی زندگی خود را فدای حزب می کند... اما نمی توان بر نارسائی ها و نواقص او چشم پوشید. رفیق مولوتف، وزیر امور

خارج کشور ما، اکنون تصمیمات سیاسی را تحت تأثیر « شراب » می گیرد و در دیدار با سفیر انگلیس، با چاپ و انتشار روزنامه و مجلات بورژوازی در کشور ما موافقت می کند. چرا؟ بر چه اساسی توافق کرده است؟ مگر نمی داند که، بورژوازی بعنوان دشمن طبقاتی ما، مطبوعات سرمایه داری را برای مردم شوروی منتشر می کند. این کار جز زیان، هیچ نتیجه ای دارد؟ چنین قدم نادرست، اگر برداشته شود، تأثیرات منفی و زیان آور بر شعور و جهان بینی مردم شوروی گذاشته و مردم ما، ایدئولوژی کمونیستی را تضعیف نموده و موجب تقویت ایدئولوژی بورژوازی می گردد. این، اولین اشتباه سیاسی رفیق مولوتف است.

پشت پیشنهاد رفیق مولوتف، مبنی بر واگذاری شبه جزیره کریمه به یهودیان چه چیزی نهفته است؟ این اشتباه ناهنجار رفیق مولوتف است. چرا او مرتکب چنین اشتباهی شده است؟ بر چه پایه ای رفیق مولوتف پیشنهادی را مطرح ساخت؟ ما جمهوری خودمختار یهودی داریم. آیا این کفایت نمی کند؟ بگذار همین جمهوری ترقی کند و توسعه یابد. رفیق مولوتف، نباید وکیل مدافع ادعای غیر قانونی یهودیان بر کریمه شوروی ما باشد. این دومین اشتباه رفیق مولوتف است. رفتار رفیق مولوتف، بعنوان عضو دفتر سیاسی بسیار نادرست است و ما با قاطعیت پیشنهاد از پیش طراحی شده ایشان را رد می کنیم.

رفیق مولوتف، چنان احترام عمیقی برای همسر خویش قائل است که هنوز ما در هیئت سیاسی پیرامون این و آن مسئله تصمیم نگرفته، رفیق ژمچورینا، از جریان مسائل مطلع می شود. چنین استنباط می شود که گویی یک خط نامرئی هیئت سیاسی را با همسر رفیق مولوتف "ژمچورینا" و دوستان ایشان پیوند می دهد. درحالیکه این خانم در حلقه دوستانی قرار دارند که چندان قابل اعتماد نیستند. روشن است، چنین عملکرد یک عضو هیئت سیاسی قابل قبول نیست.

و اما در باره رفیق میکایان. آیا می دانید که ایشان مخالف افزایش مالیات بر درآمد محصولات کشاورزی دهقانان هستند؟ آناستاس میکایان، رفیق ما، کیست؟ کدام موضوع برای ایشان روشن نیست؟

دهقان، مدیون دولت است. ما، با دهقانان روابط بسیار مستحکمی داریم. دولت، زمین ها را تا ابد در اختیار کالخورها (تعاونی های کشاورزی غیر دولتی) گذاشته است. آنها باید دین خود را به دولت ادا کنند. به همین جهت، نمی توانیم با موضع رفیق میکایان موافقت کنیم. آ. ای. میکایان، پشت تریبون سخنرانی، با استناد به برخی آمارهای اقتصادی، از مواضع خود دفاع کرد.

استالین (با قطع سخنان میکایان) گفت: این میکایان، فرومکین نوظهوری است. خودش سرگیجه گرفته است و می خواهد ما را هم در این مسئله روشن و اصولی، دچار سرگیجه کند.

و. م. مولوتف پشت تریبون اشتباهات خود را پذیرفت و ضمن اعتراف، اطمینان داد که همچنان شاگرد با وفای استالین خواهد ماند.

استالین (با قطع سخنان مولوتف) گفت: بیهوده نگو، من هیچگاه شاگردی نداشته ام. ما همه شاگردان لنین کبیر هستیم.

استالین سپس حل مسائل تشکیلاتی و انتخاب ارگان های رهبری حزب را پیشنهاد کرد. بجای هیئت سیاسی، هیئت رئیسه با تعداد اعضای بیشتر، همچنین دبیری کمیته مرکزی حزب، مجموعاً متشکل از ۳۶ نفر تشکیل می شود.

همه اعضای هیئت سیاسی پیشین به جز یک نفر، آ. آ. اندره یوف، به عضویت هیئت رئیسه جدید انتخاب می شوند. همه می دانند که، **اندره یوف** بسیار محترم، قدرت شنوائی اش را کاملاً از دست داده است، اصلاً نمی شنود، نمی تواند کار کند، باید معالجه شود.

صدائی از میان سالن: رفیق استالین را به دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب کنیم.

استالین: نه خیر! مرا از مقام دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر شورای وزیران آزاد کنید.

گ. ن. مالنکوف (از میکروفون تریبون): رفقا! همه ما باید همراهی و همصدا، رهبر ما، از رفیق استالین، پذیرفتن مسئولیت دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را تقاضا کنیم.

استالین (از میکروفون تریبون): در پلنوم کمیته مرکزی، کف زدن لازم نیست. باید در مورد مسائل، بدور از احساسات و از روی عقل تصمیم گرفت. من خواهش کردم که مرا از مقام دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر شورای وزیران اتحاد شوروی آزاد کنید. من پیرم، کاغذ نمی خوانم. یک نفر دیگر را برای خودتان دبیر کل انتخاب کنید.

س. ک. تیماشینکو: مردم این موضوع را درک نخواهند کرد. ما همه، شما را دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب می کنیم. تصمیم دیگری نمی گیریم. همه حاضران از جا برخاسته و با کف زدن های ممتد، از پیشنهاد **س. ک. تیماشینکو**، استقبال کردند. استالین هم بلند شد، مدتی به سالن نگاه کرد، دستی تکان داد و نشست.

یادآوری:

اظهارات استالین، مبنی بر عدم وجود وحدت کامل در ارگانهای رهبری حزب، پس از وفات وی کاملاً ثابت شد. تشکل های گروهی در درون آن، بدون در نظر گرفتن موازین دموکراسی حزبی - شورائی، فوراً تعداد اعضای ارگانهای رهبری را به شدت تقلیل داد و سعی شد از اجرای مصوبه کنگره نوزدهم حزب کمونیست اتحاد شوروی، مبنی بر جلب نیروهای جوان متخصص تر به ارگان های رهبری طفره رود.

منظور استالین از دوستان همسر مولوتف، محافل ناسیونالیستی یهودی بود که به شدت تحت تأثیر گولدا مئیر، سفیر وقت اسرائیل در اتحاد شوروی قرار داشتند.

م. ای. فرومکین که، استالین در اینجا از وی نام می برد، از سال ۱۸۹۸ عضو حزب بود، پس از انقلاب اکتبر معاون کمیسر (وزیر) خواروبار، صدر کمیته انقلاب سیبری، کمیسر تجارت خارجی، کمیسر اقتصاد و یکی از فعالین اپوزیسیون راست بود.

روزنامه «سوتسکایا راسیا»

شماره ۴ (۱۱۸۹۹)

۱۳ ژانویه سال ۲۰۰۰

راه توده ۱۴۳ ۰۶،۰۸،۲۰۰۷